

احیای قدرت نظامی روسیه : مقابله با یک‌جانبه‌گرایی

ایالات متحده آمریکا

سید رضی عمادی^۱

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی علاوه بر حوادثی که در درون فدراسیون روسیه رخ داد و این کشور را به کشوری منفعل در نظام بین‌الملل تبدیل کرد، ساختار نظام بین‌الملل نیز دچار تغییر گردید. آمریکا در درون این ساختار جدید اقدام‌های مختلفی در جهت دیکته کردن قدرت خود بر نظام بین‌الملل و بر کشورهای عضو این نظام به‌ویژه روسیه انجام داد. ورود این کشور به منطقه حیات خلوت روسیه بیشتر ناشی از ضعف مفراط فدراسیون روسیه هم در داخل و هم در نظام بین‌الملل بود. اگرچه پلتسین توانایی کافی برای رفع مشکلات مردم روسیه را نداشت اما با این وجود مردم روسیه نه تنها هیچگاه رویای قدرت بزرگ بودن را فراموش نکردند بلکه هرگز نتوانستند سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه ایالات متحده آمریکا را که به نوعی تحقیر روسیه بود بپذیرند. لذا با روی کار آمدن پوتین به عنوان رئیس‌جمهور روسیه و اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه نسبت به اوضاع و شرایط داخلی و بین‌المللی توسط او تلاش شد تا زمینه‌های لازم برای ایفای نقشی مهم‌تر و موثرتر توسط روسیه در نظام بین‌الملل بوجود آید. پوتین پس از بهبود وضعیت اقتصادی کشور روسیه، احیای قدرت نظامی این کشور را در دستور کار خود قرار داد که این سیاست بعد از انتقال قدرت در کرملین و روی کار آمدن مدودف نیز دنبال شد.

واژگان کلیدی: روسیه، قدرت نظامی، یک‌جانبه‌گرایی و نظام بین‌الملل.

^۱. پژوهشگر حوزه آسیای مرکزی و قفقاز

مقدمه

به عقیده ریچارد هاس روابط بین الملل در قرن ۲۱ به سوی بی‌قطبی حرکت می‌کند زیرا بوسیله تعداد زیادی از بازیگرانی که انواع مختلفی از قدرت را در اختیار دارند و اعمال می‌کنند، اداره می‌شود. (هاس ریچارد، ۱۳۸۷)

قرن بیستم آشکارا به صورت چند قطبی شروع گردید؛ اما بعد از تقریباً ۵۰ سال و وقوع دو جنگ جهانی یک نظام دو قطبی بوجود آمد؛ سپس با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نظام دو قطبی تبدیل به نظام تک قطبی گردید که نوعی نظام بین‌الملل با یک قدرت مسلط بود. این قدرت مسلط ایالات متحده آمریکا می‌باشد که در سال‌های ابتدایی دهه اخیر سیاست یک‌جانبه‌گرایی را به صورت آشکار اتخاذ نموده است.

داشتن توان نظامی همیشه و در همه حال منبع اصلی قدرت می‌باشد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تاثیر عوامل اقتصادی بیشتر گردید و در این وضعیت امنیت نرم^۱ نقش بسزایی ایفا نمود. دیگر امنیت تنها شامل امنیت سخت افزاری نمی‌گردد بلکه امنیت نرم هم اهمیت بسیاری یافت. برای تامین امنیت نرم نقش اقتصاد، برتری در حوزه‌های تکنولوژی، انرژی و فن‌آوری اطلاعات بسیار مهم بود. کشورها دریافتند که داشتن نیروی نظامی قوی تنها راه بزرگ بودن و ابر قدرت بودن نیست. لذا در جهت تقویت اقتصاد خویش و گام برداشتن در حوزه‌های ذکر شده حرکت کردند.

پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، روسیه دوران پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشت و با بحران‌های متفاوتی، از بحران اقتصادی و سیاسی گرفته تا بحران هویتی دست و پنجه نرم کرد. البته روی کار آمدن پوتین در روسیه باعث بوجود آمدن ثبات در عرصه تصمیم سازی این کشور و تقویت نسبی جایگاه آن در نظام بین‌الملل گردید. روسیه نیز مانند دیگر کشورها در جهت بهبود اوضاع اقتصادی خویش گام برداشت. اگرچه نسبت به سایر بازیگران مهم دیرتر در این جهت حرکت نمود اما نسبت به دهه گذشته اوضاع این کشور بهتر و دیپلماسی آن فعال‌تر و واقع بین‌تر گردید.

حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ باعث شد قدرت نظامی بار دیگر در کانون توجه قدرت‌های بزرگ قرار گیرد. این حادثه نه تنها امنیت نظامی را بر ابعاد غیر نظامی در روابط بین‌الملل برتری داد بلکه بسترهای لازم را برای ایفای سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا

^۱. Soft Security

فراهم نمود. روسیه اگرچه به خاطر اوضاع بد اقتصادی در آن برهه از زمان با ایالات متحده مخالفت نکرد اما همیشه منتظر فرصتی بود تا بار دیگر در ساختار نظام بین‌المللی تاثیرگذار باشد و اجازه ندهد ایالات متحده به سیاست یک‌جانبه‌گرایی خود ادامه دهد. در این راستا علاوه بر رفع نسبی مسایل اقتصادی و بهبود اوضاع اقتصادی خویش بر اهمیت قدرت نظامی هم تکیه نمود.

علل عدم اصلاحات در ارتش روسیه تا قبل از به قدرت رسیدن پوتین

روسیه بعد از پایان جنگ سرد تقریباً در همه زمینه‌ها تغییرات اساسی را تجربه نمود؛ اما نیروی نظامی این کشور از انجام تغییرات دور ماند. از جمله عامل مهمی که با رفع آنها در دوران پوتین زمینه‌های لازم برای انجام اصلاحات نظامی فراهم گردید، می‌توان به عوامل زیر اشاره نمود:

۱- فرهنگ سیاسی نیروی نظامی؛

۲- کیفیت رهبری سیاسی نظامی؛

۳- موانع نهادی و ساختاری و

۴- سیاست‌های کشورهای خارجی.

نیروهای مسلح در روسیه فرهنگ نظامی منحصر به فردی دارند که این عامل اجازه هر نوع تغییر و کاهش نیرو را نمی‌داد؛ در واقع فرهنگ نظامی روس‌ها کمتر تغییری را می‌پذیرد. (Goltz, Alexandr and Putnam, Tanya L, 2004, pp.121-158) کیفیت رهبری در قوه مجریه، متغیر مهمی برای روابط نظامی - مدنی و اصلاح نظامی است. از سویی روابط میان رهبران سیاسی روسیه و نیروهای مسلح از زمان گورباچف روابط خوبی نبود. دولت یلتسین نیز ثبات چندانی نداشت، وی در مدت هفت سال ریاست جمهوری خود دارای ۶ معاون اول نخست وزیر و ۵ وزیر دفاع بود اما پوتین در مدت ۹ سال ریاست جمهوری ۴ معاون اول نخست وزیر و ۳ وزیر دفاع داشت. یلتسین از نظامیان برای کنترل بر رقبای و تضمین قدرت خود استفاده می‌کرد. (Zacchary Ritter, 2008) در زمان وی میان مقامات ارشد نظامی روسیه اختلاف نظر شدیدی وجود داشت و این امر یکی از دلایل مهم برای عدم ارائه یک برنامه اصلاحی نظامی در روسیه زمان یلتسین بوده است. (Blank, Stephen F, 2002, pp.98-132)

سوالی که مطرح است این است که در دوره پوتین چگونه زمینه‌های لازم برای اصلاحات نظامی فراهم شد؟ ولادیمیر پوتین در دو دوره ریاست جمهوری خود همواره به اصلاح وضعیت نظامی توجه داشت و در این راستا به جایگزینی نیروهای متحد خود در درون وزارت دفاع پرداخت؛ همچنین وی بر خلاف یلتسین با افسران ارشد با احترام برخورد می‌کرد و از سرزنش کردن آنها اجتناب می‌نمود؛ برخی از آنها نیز علی‌رغم این که اصلاح نظامی را دوست نداشتند اما نظرات رهبر خود را محترم می‌شمردند و به وی احترام می‌گذاشتند. زمانی که پوتین در ۱۹۹۹ رئیس جمهور گردید با وزارت دفاعی مواجه شد که آمادگی پذیرش هیچ نوع اصلاحاتی را نداشت. اما انتصاب سردیکف به عنوان وزیر دفاع، کسی که بر مبارزه با فساد در این وزارتخانه تمرکز داشت و مانع هزینه‌های غیر ضروری می‌گردید؛ (Trinin, Dimitry and Stiven Miller, 2004:121-157) زمینه‌های لازم برای انجام اصلاحات نظامی در درون نیروی نظامی این کشور را فراهم شد. (Ibid)

ریشه اتخاذ برنامه‌های اصلاحی

اگر چه مساله اصلاحات نظامی پس از جنگ اخیر در گرجستان شکل منسجم‌تر و جدی‌تری گرفته است اما در واقع این اصلاحات از مارس ۲۰۰۱ مطرح شده است. پوتین به دنبال ارتشی کوچک‌تر، تخصصی‌تر، مجهزتر و کارآمدتر بود که بتواند علیه تروریسم، جدایی‌طلبی و دیگر تهدیدات نامتقارن مقابله کند. این اصلاحات از مارس ۲۰۰۱ با تصمیم او مبنی بر کاهش ۲۵ درصد حجم نیروهای ارتش، افزایش بودجه و بازبینی سیستم سلاح‌ها شکل تازه‌ای به خود گرفت. در این سال تصمیم گرفته شد واحدهای رزمی به یگان‌های حرفه‌ای تبدیل شوند. نوامبر ۲۰۰۱ دولت یک گروه کاری بین‌نهادی را موظف به بررسی هزینه‌های این امر کرد و در سپتامبر ۲۰۰۲ اولین گروه نظامیان حرفه‌ای در لشکر ۷۶ ارتش در پسکف مستقر شدند. در سال ۲۰۰۳ نیز طرحی ارائه شد که طی آن بین سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۷ باید ۸۰ درصد از تشکیلات نظامی بر اساس کادرهای رسمی (نه وظیفه) اداره می‌شدند. پوتین طی سخنرانی خود در شورای فدراسیون در مه ۲۰۰۳ انجام اصلاحات نظامی و نوسازی نیروهای مسلح را یک اولویت مهم دانست. به عقیده او در اصلاحات نظامی موضوع اصلی بازسازی اساسی و نوسازی تجهیزات و تقویت پرسنل نیروهای مسلح، افزایش کارآمدی نهادها و ساختارهای نظامی و ایجاد یک ارتش حرفه‌ای، قدرتمند و مجهز برای

حمایت از توسعه موفق آینده روسیه است. پوتین در برنامه اصلاحات نظامی خود سه هدف را در پیش گرفت:

- هدفمند کردن تخصیص نیرو و بودجه در ارتش با هدف افزایش کارآمدی آنها؛
- مدرنیزه کردن تجهیزات نظامی (متعارف و هسته‌ای به ویژه در زمینه موشکی) و
- تمرکز سیاست‌گذاری‌های نظامی در وزارت دفاع. (جاه طلبی‌های نظامی روسیه، ۱۳۸۶)

برنامه‌های اصلاحات نظامی

همه شواهد حاکی از آن است که مسکو تغییرات اساسی در نیروی نظامی خود ایجاد کرده است. بنا بر اظهار نظر پوتین، تا پایان سال ۲۰۰۷ باید فرآیند ایجاد واحدهای حرفه‌ای ارتش کامل می‌گردید و پس از آن تنها نظامیان حرفه‌ای و ورزیده به موقعیت‌های مهم اعزام می‌شدند. اما به علت وضعیت نامناسب اقتصادی در عمل این اهداف تحقق نیافت اما بدنبال بهبود وضعیت اقتصادی در پرتو بالا رفتن قیمت نفت، اصلاحات نظامی به شکل جدی‌تری مطرح شدند.

بودجه دفاعی روسیه از زمان به قدرت رسیدن پوتین روندی صعودی داشت. این بودجه در سال ۲۰۰۵ با رشد ۲۳ درصدی، در سال ۲۰۰۶ با رشد ۲۷ درصدی و در سال ۲۰۰۷ با رشد ۳۰ درصدی به رقم ۳۲/۴ میلیارد و در سال ۲۰۰۸ به ۴۰ میلیارد دلار و در زمان مدودف در سال ۲۰۰۹ با ۲۵ درصد افزایش به ۵۰ میلیارد دلار رسید. (Weir and Clabaugh, Rich, 2007, :45)

البته تغییرات در حال جریان به چند دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۱- طرح‌هایی برای نیروی انسانی (تعدیل نیروی انسانی)

۲- تغییر فرهنگ نظامی

۳- تغییرات ساختاری

۴- نوسازی تجهیزات نظامی

از طرفی روسیه توان نظامی را عاملی تعیین کننده در تبدیل شدن به یک کشور قدرتمند می‌داند. اگر چه انتظار نمی‌رود این کشور نفوذ نظامی خود را در جهان به اندازه اتحاد جماهیر شوروی احیا کند، اما اصلاح و نوسازی توان نظامی این کشور امری قطعی است.

اصلاحات نظامی در قالب اظهارات مقامات روسی

ژنرال " نیکلای ماکاروف " رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه طی دیداری با وابسته‌های نظامی کشورهای خارجی در مسکو اعلام کرد: " هدف اصلی از ایجاد نیروهای مسلح مدرن، آماده و مجهز به نمونه‌های جدید تسلیحاتی این است که این تجهیزات نظامی بتوانند به هرگونه تهدیدی واکنش نشان داده و قادر به مقابله با کلیه تهدیدات علیه روسیه باشند. همچنین ما به واحدهای فشرده سیار با قدرت ضربه‌زنی بالا نیاز داریم که بتوانند بطور مستقل وارد عمل بشوند. در واقع هدف این اصلاحات نظامی، کاهش شمار سربازان به یک میلیون نفر، کوتاه کردن زنجیره فرماندهی و مدرنیزه کردن تجهیزات رزمی است. " (یکصد میلیون یورو برای نوسازی ارتش روسیه، ۱۳۸۷)

روزنامه ایزوستیا به نقل از " آناتولی سردیکف " وزیر دفاع روسیه نوشت: هدف از اجرای اصلاحات نظامی، کاهش هزینه نگهداری ارتش روسیه است. (اصلاحات در روسیه و بازتاب آن در مطبوعات کشور، ۱۳۸۷)

آleksander Goltz^۱، کارشناس امور نظامی، در ارزیابی خود از ارتش روسیه اظهار داشت: " ارتش روسیه ماهیت خود را تغییر خواهد داد و با نادیده گرفتن تسلیحات اتمی، رهبران ارتش روسیه به جای برپایی جنگی بزرگ با میلیون‌ها سرباز، تنها خواهان واکنش سریع نظامی در منازعات منطقه‌ای هستند. " (تغییرات بزرگ و بی سابقه در ارتش روسیه، ۱۳۸۷) به نظر گولتز، این تغییرات در عرصه سیاست خارجی بدان معنا است که برتری نظامی ناتو به تدریج رنگ خواهد باخت. در اصل استراتژی دفاعی روسیه، استفاده از تسلیحات اتمی را تنها در صورت حمله به خاک این کشور و برای حفظ سرزمین مجاز می‌داند. یکی از اهداف ذکر شده برای این اصلاحات دوری از هزینه‌های نظامی بسیار سنگین زمان جنگ سرد است که این امر به نوعی هوشمندی مقامات امروزی روسیه را نشان می‌دهد.

از طرفی پوتین هدف از اصلاحات را ایجاد ارتشی کوچک‌تر، تخصصی‌تر، مجهزتر و کارآمدتر می‌داند که بتواند علیه تروریسم، جدایی‌طلبی و دیگر تهدیدات نامتقارن مقابله کند.

^۱. Alexander Goltz

به طور کلی از اظهارات مقامات روسی می‌توان فهمید که هدف این اصلاحات مساله تامین امنیت ملی این کشور است. دکترین دفاعی ارائه شده توسط ایوانف در سال ۲۰۰۳ بر ضرورت اصلاحات در نیروی نظامی این کشور برای مقابله با تهدیدات جدی، تروریسم و همچنین انعطاف پذیر بودن نیروی نظامی در مقابل خطرهای ناگهانی تاکید می‌کند. (Bouldin, Matthew, 2004, pp.619-641)

توقف سیاست یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا و کمک به تسریع تغییر ساختار فعلی نظام

بین الملل

همه شواهد حاکی از آن است که در اصلاحات نظامی روسیه یک هدف بسیار مهم نهفته است و آن چیزی جز مقاومت در مقابل یکه‌تازی‌های ایالات متحده آمریکا نیست. یک‌جانبه‌گرایی برای روس‌ها نوعی حقارت می‌باشد؛ دلایل بسیاری وجود دارد تا بتوان قاطعانه هدف اصلی این اصلاحات نظامی در روسیه را جلوگیری از سیاست یک‌جانبه‌گرایانه ایالات متحده آمریکا عنوان کرد. مهمترین دلایلی که می‌توان برای این ادعا عنوان کرد این‌گونه دسته بندی می‌شوند:

الف) وجود نوعی حقارت ذهنی در میان مردم و سیاستمداران روس: روس‌ها هم‌اکنون نیز به دوران استالین افتخار می‌کنند. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همانطور که ولادیمیر پوتین عنوان کرد بزرگترین فاجعه قرن بوده است. (عوامل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ۱۳۸۷) اغلب روس‌ها در مورد این فروپاشی نه تنها این دیدگاه را دارند بلکه نوعی احساس حقارت نیز در خود می‌کنند؛ زیرا ایالات متحده رقیب بزرگ آنها در زمان جنگ سرد به قدرت بلامنازع نظام بین الملل تبدیل شده بود. این حقارت برای روس‌ها به حدی شدید بود که تنها ۲ سال پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پدیده‌ای به نام ژیرینوفسکیسم^۱ در روسیه ظهور کرد. البته این ایده تنها منحصر به ژیرینوفسکی نبود بلکه افراد بسیاری در روسیه بودند و هستند که خواهان اعمال نفوذ و تسلط بر جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی می‌باشند. (دبیری، محمد رضا، ۱۳۷۴)

^۱ ژیرینوفسکی یک ملی‌گرای تمام عیار روس بود. وی به شدت خواهان احیای امپراتوری شوروی و تسلط بر جمهوری‌های استقلال یافته است.

ب) تشدید روند کاهش حوزه نفوذ روسیه: اگر چه روس‌ها گسترش ناتو را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌دانند اما یکی از مهمترین دلایل آنها برای مخالفت با گسترش ناتو مربوط به این است که با گسترش ناتو به شرق حوزه نفوذ روسیه در درون جمهوری‌های سابق کاهش خواهد یافت در حالی که روس‌ها این جمهوری‌ها را حیات خلوت خویش می‌دانند. روس‌ها حتی در مقابل روی کار آمدن افرادی با دیدگاه‌های غربی در این جمهوری‌ها مخالفت می‌ورزند و به شدت در مقابل این روند مقاومت می‌کنند. نباید فراموش کرد که روس‌ها در دهه ۱۹۹۰ از دکتترین مونروئه روسی در قبال جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی استفاده می‌کردند. تمامی تحولات این منطقه برای روس‌ها مهم است و با هر گونه اقدامی که با منافع ملی این کشور مغایرت داشته باشد مخالفت خواهند کرد.

ج) سیاست‌ها و اقدام‌های دولت روسیه: سیاست‌ها و اقدام‌های سیاستمداران روسیه نشان می‌دهد که آنها به شدت مخالف اقدامات یک‌جانبه گرایانه دولت آمریکا می‌باشند. در ابتدای دوران پوتین، دولت او در قبال غرب و آمریکا جانب احتیاط را نگاه می‌داشت و طی این دوره، علی‌رغم مخالفت با وضعیت موجود تلاش کرد با شناخت صحیح منافع ملی در فضای متغیر بین‌المللی به بازتولید قدرت متناسب با زمان و شرایط اقدام نماید و روند توان‌یابی در ساختار حاکم نظام بین‌الملل را در یک فرآیند و به صورت تدریجی به انجام برساند. اما در ادامه نتوانست سیاست احتیاط آمیز خود را ادامه دهد. سخنرانی پوتین در کنفرانس امنیتی مونیخ نشان داد که وی و روس‌ها به دنبال این می‌باشند که با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا مقابله کنند. برگزاری رژه نظامی بزرگ روسیه در سال ۲۰۰۹ نشان داد که علی‌رغم هزینه هنگفت این رژه نظامی، بیش از دوسوم مردم روسیه، خواهان برگزاری چنین مراسم نظامی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هستند. (روسیه در حال آماده کردن ارتش خود است، ۱۳۸۸)

همچنین روند امور در روابط روسیه و آمریکا نیز گویای این امر است. روابط این دو کشور در دوره پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مراحل و تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته است. آمریکا در دوره " فلج روسیه " ^۱ با این کشور به عنوان یک شکست‌خورده رفتار می‌کرد. تحولات این دوره حاکی از پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی، ژئوپولیتیکی و ارزشی آمریکا و همزمان پسرفت‌های متعدد از سوی روسیه بود که از آن جمله می‌توان به عدم توان ابراز واکنش

^۱. The State of Paralysis

مؤثر به موج اول گسترش ناتو به شرق و توسعه نفوذ غرب در گستره کشورهای مشترک‌المنافع در گرجستان و جمهوری آذربایجان اشاره کرد. (McFaul, Michael, 2004) از اواخر دهه ۱۹۹۰ با به قدرت رسیدن پوتین و بهبود نسبی وضعیت اقتصادی روسیه، راهبرد "مقاومت مثبت"^۱ (سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴) بر اساس رویکرد عمل‌گرایانه و مبتنی بر پذیرش وضع موجود، عدم‌تقابل‌گرایی بی‌حاصل، مسامحه، مصالحه و در عین حال فرصت‌طلبی راهبردی از کوچک‌ترین مجال‌ها برای کسب بیشترین منافع، به عنوان راهبرد جدید سیاست خارجی روسیه در برابر هژمون نظام بین‌الملل در دستورکار قرار گرفت. جنگ افغانستان و استقرار پایگاه‌های نظامی آمریکا در آسیای مرکزی، جنگ عراق و تحولات خاورمیانه، خروج آمریکا از پیمان "ای بی ام"^۲ و موج دوم گسترش ناتو به شرق از جمله موضوعات برجسته این دوره بود. (Harutyunyan, Gagic, 2007, p.11)

روابط روسیه و آمریکا در سال‌های پایانی ریاست جمهوری پوتین تغییر شکل داد. این کشور از سال ۲۰۰۶ به صورت نامحسوس و از ابتدای سال ۲۰۰۷ به صورت آشکار با اعتماد به نفس حاصل از دست‌آوردها و موفقیت‌های خود در حوزه‌های مختلف ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک، سیاست "مقاومت مستقیم"^۳ را در برابر یک‌جانبه‌گرایی‌ها و توسعه‌طلبی‌های آمریکا در پیش گرفت. روسیه در این مقطع خود را در مرحله‌ای جدید از توزیع قدرت جهانی می‌دید که می‌توانست سهمی شایسته از آن را کسب کند. بی‌گیری سیاست تهاجمی در حوزه انرژی و تأکید بر تثبیت موقعیت خود به عنوان "ابر قدرت انرژی"، طرح سیاست خارومیانه جدید، بی‌گیری برنامه‌های گسترده نوسازی نظامی، برنامه فروش گسترده تسلیحات نظامی، عدم پذیرش قاطع استقرار طرح سپر موشکی آمریکا در اروپای شرقی و در پی آن تعلیق پیمان سلاح‌های متعارف، استقرار سیستم جدید دفاع ضد موشکی در سنت پترزبورگ، اعلام غیرمنتظره سمت‌گیری مجدد موشک‌های هسته‌ای روسیه به سوی اروپا قبل از نشست سران گروه هشت در آلمان و اعلام از سرگیری برنامه گشت‌زنی هواپیماهای دور پرواز هسته‌ای این کشور از جمله موضوعات شاخص این دوره و نشانه‌هایی از تلاش روسیه برای

1. The State of Passive resistance

2. The Anti-Ballistic Missile Treaty

3. Direct Resistance

اعلام ارتقاء جایگاه خود در ترتیبات نظام بین‌الملل بود که تنش‌هایی را در روابط این کشور با آمریکا به همراه داشت.

اعلام مخالفت روسیه با آغاز مذاکرات رسمی آمریکا با دو کشور لهستان و چک در مارس ۲۰۰۶ برای استقرار بخشی از سپر موشکی آن در این دو کشور را می‌توان آغاز دور جدید تنش در روابط روسیه و آمریکا دانست. با این ملاحظه و با توجه به افزایش قابل تأمل حجم نشانه‌های ضد امریکایی در گفتار و رفتار مقامات روسی، از مارس ۲۰۰۷ به عنوان مقطعی یاد می‌شود که تنش روابط روسیه و آمریکا علنی و به عقیده برخی دور جدیدی از "جنگ سرد"، اما به اعتقاد آلکسی آرباتف "موج سردی" در روابط دو کشور آغاز شد. (Janco, Gerard. 2007) به این ترتیب شیب منفی روابط روسیه و آمریکا پس از مقطعی کوتاه از همکاری دو کشور بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ماه‌های آخر ریاست‌جمهوری پوتین تقریباً به بدترین نقطه خود در کل دوره وی و حتی در سراسر دوره پس از شوروی رسید. پوتین طی دو سال اخیر در مقاطع مختلف از جمله در کنفرانس امنیتی مونیخ ۲۰۰۷، مصاحبه با شبکه الجزیره در می ۲۰۰۷، سخنرانی در روز پیروزی در مسکو و در سخنرانی در جمع هواداران خود در همایش حزب روسیه متحد در دسامبر ۲۰۰۷ سیاست‌های آمریکا را به شدت مورد انتقاد قرار داد. (Cohen, Ariel, 2007)

پوتین در کنفرانس امنیتی مونیخ یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و تلاش این کشور برای تثبیت نظام تک‌قطبی را به شدت به چالش کشید و این نشان می‌دهد اصلاحات مد نظر وی و مددودف قطعاً برای پایان دادن به یک‌جانبه‌گرایی آمریکا است. همچنین وی این ادعا را که در نظم کنونی بین‌الملل "یک مرکز قدرت، یک مرکز تصمیم‌گیری، ... یک ارباب و یک حاکمیت" وجود دارد را رد و به صراحت اظهار داشت: "من فکر می‌کنم ما در زمان حساسی به سر می‌بریم و باید بطور جدی در خصوص ساختار امنیت جهان فکر کنیم و به دنبال توازنی منطقی میان منافع همه کنشگران حاضر در عرصه بین‌الملل باشیم. نظام تک‌قطبی که پس از پایان جنگ سرد به عنوان نظام مسلط معرفی شده، هیچگاه به طور موفقیت‌آمیز تثبیت نشده است. جهان از مرحله تک‌قطبی عبور کرده و هر چند هنوز نظم مشخصی جایگزین آن نشده، اما آنچه مسلم است نظام امنیت بین‌الملل به سمت چندجانبه‌گرایی پیش‌رفته است." (Blanche, ED, 2007, p.2)

از طرفی روسیه تضعیف فزاینده توان آمریکا در حفظ برتری خود به عنوان هژمون نظام تک‌قطبی و ضعف محسوس آن در کنترل امور جهانی را نشانه‌هایی از زوال نظم پس از

جنگ سرد و مرحله‌ای جدید از توزیع قدرت و نفوذ در نظم بین‌الملل تعبیر می‌کرد که می‌بایست برای تثبیت جایگاهی بهتر برای خود در ساختار جدید نظام بین‌الملل با مهارت عمل و به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای به نحوی شایسته در مدیریت امور جهانی مشارکت می‌نمود.

مدودف نیز تنها دو هفته پیش از اولین دیدار خود با باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا، پیمان ناتو را متهم کرد که مواضع خود را در نزدیکی مرزهای روسیه همچنان تقویت می‌کند. او گفت که به دلیل تنش‌های منطقه‌ای و همچنین مبارزه با تروریسم، روسیه باید زرادخانه هسته‌ای خود را نیز مدرن کند. (ارتش روسیه مدرن می‌شود، ۱۳۸۸)

گسترش تنش میان روسیه و آمریکا، روس‌ها را متقاعد کرد که این روند می‌تواند نه تنها به ضعف بیشتر در مقابل آمریکا بلکه به انزوای بیشتر این کشور در نظام بین‌الملل منجر شود؛ لذا دولت روسیه با اذعان به تحولات در نظام بین‌الملل و ضعف‌های آمریکا که بیشتر ناشی از سیاست‌های نادرست دولت بوش و درگیری در دو جنگ بود، فرصت را جهت تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ جهانی یا به عبارتی بهتر یک قدرت فرامنطقه‌ای که توان تاثیرگذاری بر نظام بین‌الملل و روند تصمیم‌سازی در این نظام را داشته باشد مغتنم می‌شمرد. در پی بهبود اوضاع اقتصادی که در پرتو اولویت دولت پوتین به مساله اقتصاد تحقق یافت منابع مالی بسیار بیشتری روانه بخش نظامی گردید. اصلاحات در نیروی نظامی با توجه به اوضاع نظام بین‌الملل و ضعف نسبی قدرت و جایگاه ایالات متحده با هدف مقابله با یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده و تبدیل نظام تک قطبی به چند قطبی شروع گردید.

د) روس‌ها خواهان بازتوزیع قدرت در نظام بین‌الملل هستند: تمایل فزاینده روسیه به بازتوزیع قدرت که بر مخالفت صریح با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و تقویت و تثبیت این فرض که مدیریت امور جهانی بدون همراهی روسیه به سختی امکان‌پذیر است متمرکز شده بود. پوتین در همین راستا در نشست اقتصادی سنت‌پترزبورگ در می‌۲۰۰۷ موضوع بازبینی ساختارهای اقتصادی جهانی از جمله سازمان تجارت جهانی را نیز مطرح نمود. (Karaganov, Sergei, 2007: 14)

از طرفی مدودف نیز راه پوتین را ادامه می‌دهد. وی تلاش می‌کند تا از طریق ائتلاف و همراهی با قدرت‌هایی مانند چین یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در نظام بین‌الملل را متوقف نماید. از سوی دیگر پی‌گیری سیاست "نگاه از بالا" به روسیه از سوی آمریکا و تجربه

ناموفق روسیه در همکاری با این کشور طی دوره پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی^۱ و به ویژه هدف و تمایل اصلی آمریکا مبنی بر وجود روسیه‌ای ضعیف و ناتوان به بی‌اعتمادی‌ها و تشدید تنش‌ها افزود و روسیه را در جهت بر هم زدن اوضاع فعلی و گسترش قدرت خویش و مقابله با ایالات متحده و همچنین باز توزیع قدرت ترغیب کرد. هم‌اکنون روس‌ها در حال استفاده از تحولات فعلی نظام بین‌الملل، افول قدرت آمریکا، بهبود اوضاع اقتصادی خود و حرکت جهان به سمت بی‌قطبی، در جهت باز توزیع قدرت در نظام بین‌الملل و مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی می‌باشند.

موانع و مشکلات

واضح است که تحقق هر برنامه‌ای با مشکلات و موانع خاص خود روبه‌رو است. برنامه‌ای که نه تنها بر مسایل داخلی یک کشور بلکه بر نظام بین‌الملل و ساختار این نظام نیز تاثیر دارد قطعاً با مشکلات و مسایل بیشتری نسبت به سایر برنامه‌ها روبرو خواهد بود. این موانع و مشکلات که کم هم نیستند و ابهام‌های فراوانی در مورد میزان موفقیت برنامه اصلاحات نظامی در روسیه ایجاد کردند، عبارتند از:

- **نارضایتی افسران روسی:** روزنامه "ماسکوفسکی کامسامولتس" در گزارشی با عنوان "شمار زیادی از افسران ارتش روسیه اخراج خواهند شد"، نوشت: انتظار می‌رود پرسنل نظامی که از ارتش اخراج می‌شوند، در بخش‌های غیرنظامی استخدام شوند که در آن صورت حقوق آنها به یک چهارم کاهش خواهد یافت. "ایزوستیا" نیز در گزارشی با عنوان "افسران اضافی به کجا خواهند رفت"، با اشاره به آغاز اصلاحات در ارتش روسیه نوشت: بر اثر این اصلاحات، ده‌ها هزار نظامی از ارتش روسیه اخراج خواهند شد. اعلام اخراج گسترده افسران، سبب ایجاد نارضایتی در ارتش شده است. اگرچه رهبران نظامی وعده داده‌اند که در کاهش پرسنل ارتش معیارهای اجتماعی و خانوادگی را در نظر خواهند گرفت؛ با این وجود بسیاری از افسران، از آینده خود و خانواده‌هایشان بیمناک هستند. بدین خاطر

^۱. به عنوان مثال روسیه در ازای همکاری با آمریکا در جنگ افغانستان انتظار داشت از ساختارهای منطقه‌ای آسیای مرکزی به رهبری روسیه در این جنگ استفاده شود، اما آمریکا بی‌اعتنا به ملاحظات آن وارد تعامل مستقیم با کشورهای منطقه شد و ابتکار عمل را راساً به دست گرفت.

اصلاحات اخیر سبب ایجاد ترس و نارضایتی در میان افسران ارتش روسیه شده است. (روسیه در صدد انجام اصلاحات گسترده نظامی در ارتش است، ۱۳۸۷) تعدیل نیرو تحول غیرکارشناسی در ساختار پرسنلی و کادری ارتش است. به اعتقاد منتقدین، در تدوین این اصلاحات اندیشه‌ورزی شایسته صورت نگرفته است.

- نداشتن راهبرد مشخص برای تأمین خواسته‌های ناراضیان: در شرایطی که اقتصاد روسیه نیز از بحران مالی جهانی در امان نیست، هنوز منابع مالی تأمین اجتماعی نظامیانی که باید بازنشسته بشوند، مشخص نیست. (Herspring, Dale and Roger N. McDermott, 2009:20) البته چیزی که روسیه نمی‌خواهد با آن مواجه شود بیکاری وسیع در میان افسران سابق است.

- چگونگی انتخاب افرادی که باید اخراج شوند: کاهش برنامه ریزی شده نیروهای مسلح روسیه با انتقاد برخی مقامات نظامی تندرو این کشور از جمله ژنرال بازنشسته لئونید ایواشوف دبیر سابق شورای امنیت روسیه روبرو گردید. وی در انتقاد از طرح اصلاحات وزیر دفاع روسیه گفت: "افسران ارتش روسیه با ناامیدی روبه‌رو شده‌اند. ژنرال‌های چهار ستاره به علت موضع خود در برابر این اصلاحات در حال کناره‌گیری می‌باشند." ایواشوف که اکنون ریاست دانشکده ژئوپلیتیک روسیه را به عهده دارد هشدار داد این اصلاحات، روسیه را در معرض خطر حمله آمریکا قرار می‌دهد. (Ibid:25) وی تأکید کرد آمریکا ظرف ده سال گذشته بودجه دفاعی خود را به سطحی بی سابقه افزایش داده است. تلاش برای ایجاد جهانی تک قطبی یکی از تهدیدهایی است که روسیه با آن روبه‌رو است. (بهشتی پور، حسن، ۱۳۸۷)

تحلیلگران با اشاره به اینکه طی ۱۷ سال گذشته، ساختار و ترتیبات مدارس و دانشگاه‌های نظامی روسیه سه بار تغییر کرده است، معتقدند مقامات کرم‌لین برنامه مشخص و بلندمدتی برای برنامه‌های این موسسات آموزشی و تربیت پرسنل متخصص ارتش برای سال‌های آتی نیاندیشیده‌اند. (روسیه و دکتترین جدید دفاعی، ۱۳۸۷)

- کمبود شدید افسران ماهر وجود دارد: این مساله بعد از جنگ گرجستان آشکارا بوسیله ژنرال‌های روسی تأیید شد. (Ibid:29)

- عدم یک راهبرد نظامی: پرسنل ارتش روسیه معتقدند که طرح‌های اصلاحی ارتش به‌منزله اعتراف به ضعف است. (یکصد میلیارد یورو برای نوسازی ارتش روسیه، ۱۳۸۷)

- کمبود منابع مالی و بودجه در قیاس با بودجه کشوری مانند ایالات متحده آمریکا: در واقع بودجه نظامی روسیه در حد کشورهای نظیر انگلیس و فرانسه است در

حالی که جغرافیای روسیه بسیار متفاوت از این کشورها است. گسترش ناتو سبب شده است که روسیه بودجه بیشتری را به ارتش خود اختصاص دهد و آن را مدرنیزه کند. یکی از مشکلات عمده مالی دولت روسیه این است که این کشور به شدت به درآمدهای نفتی خود تکیه دارد؛ لذا کاهش قیمت نفت می‌تواند روس‌ها را در رسیدن به اهداف خود دچار مشکل سازد. (بودجه نظامی روسیه در مقایسه با دیگر کشورها ناچیز است، ۱۳۸۷)

- **فساد و ارتشاء مالی در ارتش:** در صنایع تسلیحاتی روسیه فساد و ارتشاء مالی حاکم است. بنا به گفته دادستانی ارتش، فقط در سال ۲۰۰۸، در اثر رشوه‌خواری حدود ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون روبل (برابر با ۵۵ میلیون یورو) خسارت وارد آمده است. (همان)

- **تحولات چند سال اخیر نظام بین الملل:** یکی دیگر از موانع اصلی انجام اصلاحات مخالفت ژنرال‌های روسیه با این امر است. (Thornton, Rob, 2004: 449-474) این ژنرال‌ها به دلیل شرایط فعلی نظام بین الملل این اصلاحات را خطرناک تلقی می‌کنند. دولت روسیه برای غلبه بر این مشکل با دو مساله داخلی و بین المللی مواجه است. از نظر داخلی فقدان فشار از سوی جامعه برای انجام این اصلاحات وجود دارد. به خاطر مرکزیت نهادهای نظامی در تاریخ روسیه، انگیزه چندان جدی در میان جامعه برای اصلاح نظامی وجود ندارد و بسیاری از افراد جامعه تقویت جایگاه دولت روسیه در نظام بین الملل را در پیشرفت اقتصادی این کشور می‌بینند. بسیاری از روس‌ها از جمله ژنرال‌های روسی معتقدند که این اصلاحات تهدیدی جدی برای امنیت ملی روسیه می‌باشند. (Liaropoulod, Andre, 2006: 41)

نتیجه گیری

در دهه ۱۹۹۰ نیروی نظامی روسیه تنها نیرویی بود که در مقابل هر نوع تغییری مقاومت می‌کرد. در این میان اختلاف‌های حاکم در بین سران نظامی دولت یلتسین به همراه سیاست خارجی کشورهای غربی از مهمترین عوامل عدم توجه به اصلاح امور نظامی و همچنین رفع مشکلات نظامی این کشور بودند. اما زمانی که پوتین رئیس جمهور روسیه گردید، با آگاهی از حاکم بودن دیدگاه‌های ایدئولوژیک در درون وزارت دفاع و ستاد کل ارتش روسیه تلاش کرد تا نیروهای وفادار و قابل اعتماد خود را وارد بدنه نظامی کشور نماید. او بتدریج و آهسته این کار را انجام داد و در عین حال مساله اصلاح امور نظامی را مد نظر داشت اما وضعیت بد اقتصادی کشور اجازه عملی شدن اهداف او را نمی‌داد؛ لذا وی بهبود اوضاع اقتصادی را اولویت اول خویش

قرار داد و زمانی که در پرتو درآمدهای سرشار ناشی از بخش انرژی اوضاع اقتصادی این کشور بهبود یافت، تلاش کرد تا به احیای نظامی روسیه بپردازد. بنابراین ریشه اصلاحات نظامی فعلی در روسیه به اقدامات دولت پوتین باز می‌گردد. پوتین در عین حال تلاش کرد تا جایگاه روسیه را در نظام بین‌الملل بالا ببرد که در عمل نیز موفقیت‌هایی داشته است. با روی کار آمدن مدودف در روسیه که در واقع دنباله روی سیاست‌های پوتین بود احیای نظامی این کشور شکل جدی‌تری به خود گرفت. جنگ گرجستان بیش از آنکه برای روسیه یک پیروزی باشد زمینه‌های ضعف نظامی این کشور را به مقامات روسی نشان داد.

اگر چه هدف اصلی احیای قدرت نظامی دفاع از کشور در مقابل تهدیدهای جدید عنوان شد اما یکی از مهمترین تهدیدها به امنیت ملی کشور روسیه از دید مقامات و بسیاری از مردم این کشور اعمال سیاست یک‌جانبه‌گرایی توسط ایالات متحده آمریکا بود زیرا آمریکا با طرح‌ها و سیاست‌های خود عملاً خود را به مرزهای روسیه رساند و با طرح سپر دفاع موشکی به نوعی امنیت کشور روسیه را مورد هدف قرار داد. روس‌ها نیز هیچگاه رویای قدرت برتر بودن را فراموش نکرده‌اند و به جایگاه فعلی خویش در نظام بین‌الملل نه تنها راضی نیستند بلکه این جایگاه را برای خود حقارت آمیز می‌دانند. (هاس ریچارد، ۱۳۸۷) از طرفی این فرصت را برای روس‌ها بوجود آورد تا هم با احیای قدرت نظامی خویش و هم با کمک دیگر قدرت‌های بزرگ با ایفای نقشی سازنده‌تر در مسایل مهم نظام بین‌الملل از ادامه سیاست یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا جلوگیری کرده و روند افول این سیاست را تشدید بخشند. (Zacchary Ritter, 2008) نکته مهم این است که پوتین و مدودف در زمینه اصلاح نظامی با یکدیگر کاملاً همفکر و همسو هستند و این مساله زمینه‌های لازم برای تحقق اهداف ناشی از اصلاح نظامی را فراهم می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. افزایش بی سابقه بودجه نظامی روسیه، (۱۳۸۷)،
<http://www.jahannews.com/vdcauene.49new15kk4.html>
۲. اصلاحات در ارتش روسیه و بازتاب آن در مطبوعات این کشور، (۱۳۸۷)، خبرگزاری آران، سرویس روسیه
www.arannews.ir/ContentDetail/Print/?lang=fa&ID=8974
۳. اهداف بلند مدت نظامی روسیه: تدوین راهبرد تسلیحاتی روسیه تا سال ۲۰۲۰، (۱۳۸۷)
<http://bashgah.net/pages-27542.html>
۴. بهشتی پور، حسن، (۱۳۸۷)، مدودوف در تلاش برای انجام اصلاحات سیاسی، امنیتی و نظامی در روسیه است،
www.beheshtipour.blogfa.com/post-120.aspx
۵. بودجه نظامی روسیه در مقایسه با دیگر کشورها ناچیز است، (۱۳۸۷)، سایت خبری تحلیلی ایران و روسیه: روسیران
www.rusiran.com/archives/003032.shtm
۶. جاه طلب های نظامی روسیه (۱۳۸۶)،
<http://www.wwp.blogfa.com>
۷. دبیری، محمد رضا، (۱۳۷۴)، پدیده ژیرنوفسکیسم، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران
۸. روسیه در صدد انجام اصلاحات گسترده نظامی در ارتش است، (۱۳۸۷)، خبرگزاری ایرنا
<http://www.khabarfarsi.com/news-456020.html>
۹. روسیه در حال آماده کردن ارتش خود است، (۱۳۸۸)،
<http://www.mehrnews.com/FA/NewsDetail.aspx?NewsID=768477>
۱۰. روسیه و دکتورین جدید دفاعی، (۱۲ اسفند ۱۳۸۷)، روزنامه ابرار،
www.abrarnews.com
۱۱. عوامل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، (۱۳۸۷)،
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8712261010>
۱۲. نوری، علی رضا، (۱۳۸۶)، جاه طلبی های نظامی روسیه، سایت باشگاه اندیشه به نقل از سایت ایراس،
<http://bashgah.net/pages-10364.html>
۱۳. هاس ریچارد، (۱۳۸۷)، عصر بی قطبی، ترجمه سید رضی عمادی، سایت باشگاه اندیشه
<http://www.bashgah.net/pages-18741.html>
14. Blanche, ED, (2007), "Claws of the Bear", Middle East, No. 377
15. Bouldin, Matthew, (2004), "The Ivanov Doctrine and Military Reform: Reasserting Security Stability in Russia", Journal of Slavic Military Studies,

16. Cohen, Ariel,(2007), "**The G-8 Summit: Putting U.S.–Russia Relations Back On Track**", The Heritage Foundation, Web Memo, No. 1484
17. Goltz, Alexandr and Putnam, Tanya L,(2004), "**State Militarism and its legacies: why Military Reform has failed in Russia**", International Security, Vol.29
18. Halpin, Tony, (2008), "**Russian Military Battles Overweight Soldiers**", TheTimes, <http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/europe/article3724065>.
19. Harutyunyan, Gagik,(2007), "**A Multi polar Cold War**", 21-st CENTURY, No. 1
20. Janco, Gerard.(2007), "**Avoiding a New Cold War: Managing US-Russian Relations**", EurasiaCenter, <http://www.eurasiacenter.org/Archive/2007/ColdWar/Brief/EC.pdf>.
21. Karaganov, Sergei, (2007), "**A New Epoch of Confrontation**", Russia in Global Affairs", No. 4, <http://eng.globalaffairs.ru/numbers/21/1148.html>
22. Liaropoulod , Andre,(2006), "**Reforming the Russian military: Problems and prospects**", http://www.rieas.gr/index.php?option=com_content&view=article&id=104&catid=26&Itemid=73 .doc
23. McFaul, Michael,(2004), "**Re-engaging Russia and Russians: New Agenda for American Foreign Policy**", Center for American Progress, <http://www.americanprogress.org/kf/usrussia102504.pdf>
24. Thornton, Rob, (2004), "**Military Organization and Change: The Professionalization of the 76th Airborne Division**", Journal of Slavic Military Studies
25. Weir and Clabaugh, Rich, (2007), "**Russia Intensifies Efforts to Rebuild its Military Machine**", Christian Science Monitor, Vol. 99, No. 53.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی